



doi 10.22059/jis.2022.351078.1169

Research Paper

## Synesthesia types in Hafez's sonnets

Abdul Reza Seif<sup>1</sup>| Milad Movahedi Rad<sup>2</sup>| Aliasghar Eskandari<sup>3✉</sup>

- 1 Professor of Persian language and literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: [seif@ut.ac.ir](mailto:seif@ut.ac.ir)
- 2 PhD Student, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, University of Mazandaran. Email: [m.movahedi03@umail.umz.ac.ir](mailto:m.movahedi03@umail.umz.ac.ir)
- 3 PhD in Persian language and literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: [askandari@ut.ac.ir](mailto:askandari@ut.ac.ir)

### Article Info.

### Abstract

**Received:**  
2022/11/12

**Accepted:**  
2022/12/11

**Keywords:**

*Sensation, types and functions, Hafez, Lakoff, Johnson's, source area, destination area.*

Synesthesia (sensualism) is a kind of deviation from the norm of meaning, which by breaking the normal system of words and creating a concept contrary to the habit, creates literary pleasure in the audience. In this way of writing, the poet shatters the common mental system of the reader or listener by breaking the superficial structure of the words and not their deep structure and creates a new and pristine image to surprise the audience. In this essay, the authors, inspired by the analytical linguistics school of Lakoff and Johnson, have examined the prevalence of descriptive, analytical, and sensuous in Hafez's poems. The following article shows that the feeling in Hafez's poems, in addition to its different types of feeling; It implies different and different semantic concepts. One of the interesting methods in Hafez's poems is the emphasis on a special type of senses in sensing and transferring meaning from the source area to different areas of semantic purposes. By choosing this type of sensation, Hafez has increased the rhetorical and artistic texture of the speech, and in order to enhance the dignity and rank of tangible things and connect the mental and objective worlds, he has paid special attention to objective-abstract sensation.

**How To Cite:** Seif, Abdul Reza; Movahedi Rad, Milad; Eskandari, Aliasghar (2023). Synesthesia types in Hafez's sonnets. *Journal of Iranian Studies*, 13 (1), 75-92.

**Publisher:** University of Tehran Press.





## گونه‌های حس آمیزی در غزلیات حافظ

عبدالرضا سیف<sup>۱</sup> | میلاد موحدی‌راد<sup>۲</sup> | علی اصغر اسکندری<sup>۳</sup>

۱. استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: [seif@ut.ac.ir](mailto:seif@ut.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه مازندران، بابل، ایران.

رایانامه: [m.movahedi03@umail.umz.ac.ir](mailto:m.movahedi03@umail.umz.ac.ir)

۳. دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: [askandari@ut.ac.ir](mailto:askandari@ut.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
<b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۱/۰۸/۲۱	حس آمیزی نوعی هنجارگریزی معنایی است که با شکستن نظام معمولی واژه‌ها و ایجاد مفهوم خلاف عادت، باعث ایجاد لذت ادبی در مخاطب می‌شود. در این شیوه از نگارش، شاعر با شگرد زبانی شکستن ساختار سطحی الفاظ و نه ساختار عمیق و ژرف آن‌ها، نظام رایج ذهنی خواننده یا شنونده را درهم می‌شکند و با آفرینش تصویری بکر و تازه، موجب شگفتی مخاطب می‌شود. در این جستار، نگارندگان با الهام از مکتب زبان‌شناختی تحلیلی لیکاف و جانسون، به شیوه توصیفی - تحلیلی، گونه‌های حس آمیزی را در غزلیات حافظ بررسی کرده‌اند. نوشتار پیش رو نشان از آن دارد که حس آمیزی در سروده‌های حافظ، افزون بر انواع مختلف حسی آن، بر مفاهیم مختلف و متفاوت معنایی دلالت دارد. از شیوه‌های جالب توجه در اشعار حافظ، تأکید بر نوع خاصی از حواس در حس آمیزی و انتقال معنا از حوزه مبدأ به حوزه‌های مختلف از مقاصد معنایی است. حافظ با انتخاب این گونه از حس آمیزی، سبب افزایش بافت بلاغی و هنری کلام شده و به منظور ارتقا بخشیدن به شأن و مرتبه امور محسوس و پیوند جهان ذهنی و عینی، به حس آمیزی عینی - انتزاعی توجه ویژه‌ای داشته‌است.
<b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۱/۰۹/۲۰	
<b>واژه‌های کلیدی:</b> حس آمیزی، غزلیات حافظ، لیکاف، جانسون، حوزه مبدأ، حوزه مقصد.	
<b>استناد به این مقاله:</b> سیف، عبدالرضا؛ موحدی‌راد، میلاد؛ اسکندری، علی‌اصغر (۱۴۰۲). گونه‌های حس آمیزی در غزلیات حافظ. فصلنامه پژوهش‌های ایران‌شناسی، ۱۳ (۱)، ۷۵-۹۲.	
ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.	



## بیان مسئله

شعر یکی از هنرهای است که بشر برای انتقال عواطف درونی خود از آن کمک می‌گیرد. خلق این اثر ادبی با کمک نیروی احساس و عاطفه به همراه تخیل و اندیشه سبب آفرینش متنی می‌شود که بر روح و جان مخاطب اثر می‌گذارد. برای رسیدن به این مهم است که شاعر با هدف زیباسازی و تأثیرگذاری بیشتر، از آرایه‌های ادبی و آشنایی‌زدایی بهره می‌جوید؛ یکی از مهم‌ترین این آرایه‌ها «حس‌آمیزی» است. در کنار آشنایی‌زدایی که شاید بتوان یگانه هنر حافظ را در آن دانست (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۱۰۲)، آرایه حس‌آمیزی و گونه‌های مختلف آن، یکی از مهم‌ترین ابزارهای بلاغی و هنری حافظ است. حافظ شاعری است نوآور که سعی می‌کند در تمام مراحل تأثیرگذاری شعرش، حرفی تازه و نگاهی نو داشته باشد؛ از این رو در زمینه بهره‌گیری از صنایع لفظی و معنوی - خاصه موضوع مورد بحث ما - نیز گونه‌های متفاوت حس‌آمیزی را با هدف بهره‌برداری هنری‌تر و بدیع‌تر به کار می‌بندد. قطعاً در زندگی روزمره خود، نمونه‌هایی از حس‌آمیزی را به کار می‌بریم که به دلیل کاربرد گسترده آن، هیچ‌گاه وجودشان را احساس نمی‌کنیم و چون از روی عادت و تکرار وارد زبان شده‌اند، کمتر به آن دقت می‌شود. حافظ با بهره‌گیری از فنون ادبی از رهگذر حس‌آمیزی، دلالت‌های جدیدی را می‌آفریند که بر مخاطب اثرگذار است و ما را برای شناخت چنین حواس ترکیب‌شده‌ای به تفکر وامی‌دارد و با توجه به بحث زبان‌شناختی لیکاف و جانسون، که استعاره را فرایندی ذهنی - زبانی به مثابه ابزاری برای تفکر و درک و شناخت مفاهیم انتزاعی می‌داند، حوزه مبدأ را که عینی و مادی است، به حوزه مقصد که انتزاعی و ذهنی است پیوند می‌زند و این ترکیب‌گرایی، حافظ را به ایجاد نوعی هماهنگی میان دنیای خیالی و حقیقی قادر می‌سازد؛ بنابراین آشنایی با چگونگی به‌کارگیری «گونه‌های حس‌آمیزی در غزلیات حافظ»، مخاطب را به درک بهتر و دقیق‌تر زیبایی‌های لفظی و معنوی شعر ایشان رهنمون می‌شود. به زعم شفیع کدکنی (همان: ۱۷۲) «معنی» شعر حافظ همان بوده‌است که او اراده می‌کرده‌است، ولی «یعنی» آن با تحولات فرهنگی و روحی جامعه، در هر آفرینشی، تغییر می‌کند.

## پرسش‌های پژوهش

۱. گونه‌ها و کارکردهای حس‌آمیزی در غزلیات حافظ چیست؟
۲. حوزه‌های حس‌آمیزی در غزلیات حافظ کدام است؟

## روش پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و واحد تحلیل، بیت‌های دارای آرایه حس‌آمیزی است. نخست این دسته از ابیات، استخراج و براساس حوزه‌ها و حواس پنج‌گانه و بسامد، واکاوی می‌شوند و سپس کارکردهای مفهومی یا منظورشناختی‌شان تبیین خواهد شد.

## پیشینه پژوهش

درباره حس آمیزی در اشعار حافظ، پژوهش مستقلی صورت نگرفته‌است، اما تحقیقات زیر در نگارش این مقاله مفید واقع شده‌اند:

۱. علی نجفی ایوکی و منصوره طالبیان (۱۳۹۸) در مقاله «گونه‌های حس آمیزی در سروده‌های سعید عقل و نیما یوشیج»، گونه‌های مختلف حس آمیزی را در اشعار سعید عقل و نیما یوشیج و همچنین گزینش آگاهانه حس آمیزی هماهنگ با موضوع و متناسب با دیگر واژگان خلق شده را بررسی کرده‌اند؛ با این تفاوت که در شعر سعید عقل حس آمیزی افقی، معادله بینایی - شنوایی و در حس آمیزی عمودی، معادله انتزاعی - بینایی بسامد بیشتری را به خود اختصاص داده‌است، ولی در شعر نیما یوشیج کاربرد معادله چشایی - شنوایی و انتزاعی - چشایی گستره فراوان‌تری داشته‌است.
۲. حجت‌الله بهمنی مطلق (۱۳۹۶) در مقاله «جایگاه و نقش حس آمیزی در شعر شفیعی کدکنی» به بررسی گونه‌های حس آمیزی در شعر دکتر محمدرضا شفیعی به‌عنوان ویژگی سبکی شعر او پرداخته و بسامد حس آمیزی را در آثار مختلف این شاعر معاصر واکاوی کرده و به این نتیجه رسیده که شفیعی در آثار متأخر خود کمتر از حس آمیزی بهره برده و هرچه این آثار رنگ فلسفی و عرفانی به خود گرفته‌اند، به همان اندازه کاربرد حس آمیزی در آن‌ها رو به افول نهاده‌است.
۳. سید جواد مرتضایی (۱۳۸۲) در مقاله «ظرافت‌های بدیعی در شعر حافظ»، ساحت زبانی را در غزلیات حافظ واکاوی کرده و از مباحث بیانی و بدیعی گرفته تا صرف و نحو زبان و انواع موسیقی شعر و نحوه گزینش واژگان شعر حافظ را بررسی کرده و بیشتر بر صنایعی چون ایهام و ایهام تناسب و متناقض‌نما و تضاد نظر داشته‌است.
۴. فاطمه اعظم‌السادات مدیرزاده طهرانی به همراه شهین اوجاق‌علی‌زاده و فاطمه امامی (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی سبکی و تحلیلی آرایه "حس آمیزی" در اشعار پروین اعتصامی» به درک و شناخت حواس پنج‌گانه در القای بهتر ذهنیات مخاطب اشاره داشته‌اند و بسامد استفاده از حس آمیزی انتزاعی را در شعر پروین بیشتر از نوع حس آمیزی حسی به حسی یافته‌اند.
۵. محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۹۲) در کتاب *زبان شعر در نثر صوفیه*، ماهیت حس آمیزی و ساختارهای گوناگون آن را با توجه به مبانی عرفانی بررسی کرده و حس آمیزی را یکی از صور بیان هنری دانسته که خاستگاه طبیعی آن، جانشین شدن حسی برای حس دیگر است و طرح نظریه حس آمیزی را در فرهنگ ایران دوره اسلامی و منازعات میان اشاعره و معتزله یافته‌است.

## چهار چوب مفهومی پژوهش

### حس آمیزی

در روزگاران کهن «ارسطو نخستین کسی است که از قوه‌ای به نام "بنطاسیا / فنطاسیا" نام برده که در فرهنگ ایرانی - اسلامی، اندیشمندان از آن به "حس مشترک" تعبیر کرده‌اند» (بهمنی مطلق، ۱۳۹۶: ۶۸). شفیع کدکنی (۱۳۷۶: ۱۵) اصطلاح «حسامیزی» را برابر واژه فرنگی «سینستزی<sup>۱</sup>» به کار برده و آن را توسعانی می‌داند که از رهگذر آمیختن دو حس به یکدیگر در زبان ایجاد می‌شود. به هر حال، حس آمیزی یکی از شگردهای تصویرسازی است که در آن امور مربوط به یکی از حواس با امور و وابسته‌های حس دیگری می‌آمیزد. «آنچه از مفهوم حس مشترک دریافت می‌شود، این است که در حوزه دریافتی این حس، مرزبندی دریافتی حواس چندگانه از میان می‌رود و دریافت حواس گوناگون یک کاسه می‌شود. مهم‌ترین کارکرد حس مشترک، ادراکات جزئی ترکیب گونه‌ای است که سبب می‌شود دو ویژگی یک پدیده که به دو حس مربوط می‌شود، با هم ادراک شود؛ مانند شیرینی و زردی عسل و شیرینی و سفیدی قند.» (همان: ۶۹)

می‌توان گفت «هر حس آمیزی، دو هدف را در دستور کار خود دارد: یکی بُعد زیبایی‌شناسی که حس تازه‌ای را خلق می‌کند و معانی تازه‌ای می‌آفریند که از جمله ضرورت‌های شعری شمرده می‌شود. دیگری جلب توجه خواننده به امور تازه و برجسته کردن عبارات است که یا کوبسن از این هدف با عنوان "شکست انتظار"<sup>۲</sup> یاد می‌کند» (نجفی ایوکی و طالبیان، ۱۳۹۸: ۱۰۱). حس آمیزی علاوه بر اینکه به مثابه یکی از شگردهای ادبی، ریشه در متون کهن و گذشته‌های بسیار دور دارد و بشر آگاهانه یا غیرآگاهانه در گفتار معمول خود از آن استفاده می‌کند، در حقیقت «به‌عنوان نوعی استعاره، در زمان‌ها و زبان‌های مختلف، کم و بیش وجود داشته» (زارع، ۱۳۹۸: ۱۲۱). «در باب اصل و منشأ پیدایش آن در زبان، نظرهای مختلفی وجود دارد... اما حقیقت قضیه این است که حسامیزی از ویژگی‌های زبان است و به‌خصوص در حوزه کاربرد عاطفی زبان، امکان ظهور آن چندان دور از هنجار طبیعی نیست» (شفیع کدکنی، ۱۳۹۲: ۴۶۴).

«در فرهنگ ایران دوره اسلامی، نظریه حس آمیزی پیشینه‌ای کهن‌تر از هزار سال دارد و بنیاد فلسفی آن و بحث نظری درباره امکان یا عدم امکان آن به منازعات میان اشاعره و معتزله می‌رسد. اشاعره این نکته را که حسی می‌تواند به قدرت الهی، جانشین حس دیگری شود آشکارا مطرح کرده‌اند و بدین گونه در تاریخ اندیشه بشری و در تاریخ مسائل جهان‌شناسی، پیشاهنگان نظریه حس آمیزی به شمار می‌آیند. در تاریخ اندیشه جهان، در هیچ جای دیگر، جز در آرای اشاعره، چنین زمینه‌ای دیده نشده‌است یا اینکه

1. synaesthesia

2. deceived expectation

به طور عملی - چنان که اشارت رفت - حس آمیزی در همه زبان‌ها بیش و کم همیشه مصادیق خود را داشته و دارد» (همان: ۴۶۴-۴۶۹).

«در تعریف حس آمیزی، این بیان را نوعی مبالغه در توصیف دانسته‌اند که شاعر به واسطه آن مضمون را مجسم‌سازی می‌کند و با حس می‌آمیزد و محسوس می‌کند و صفاتی محسوس را برای امری معقول یا انتزاعی می‌آورد. می‌توان گفت حس آمیزی روشی است که شاعر با بهره‌گیری از قوه تخیل، سبب شکستن مرزهای عادی حواس ظاهری و باطنی می‌شود و قدرت سخن را در مخاطب بیشتر می‌کند. سیروس شمیسا» (۱۳۸۶: ۱۱۲). «حس آمیزی را از فروع تضاد محسوب می‌کند و آن را آوردن لغات مربوط به حس‌های مختلف کنار هم می‌داند. در واقع، وقتی یک گزاره از نوع حس آمیزی ساخته می‌شود، ذات پدیده‌ها تغییر نمی‌کند، اما دامنه دریافت و ادراک ما به وسیله استعاره گسترش یافته‌است. این امر موجب گستره دایره ادراک و تقویت حواس و ژرفابخشی به بینش ما می‌شود و تصرف گوینده را در قوانین محدود و تکراری جهان فراهم می‌سازد. پدیده‌های طبیعی در گستره ادراک ما آن قدر انعطاف‌پذیر می‌شوند که مزه‌ها شنیدنی و رنگ‌ها چشیدنی می‌شوند و بویها رنگ دارند. در چنین قلمرو از ادراک، پدیده‌ها چندبعدی خواهند شد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۴۵۰-۴۵۴).

عالم تخیلات شاعرانه حافظ آن قدر زیبا و پیچیده است که مخاطب هنگام ورود به آن، از خود می‌پرسد چگونه شاعری چون او توانسته با مسائل مربوط به حواس چشایی، چنین تصاویری را خلق کند. «از آنجاکه هر کسی در زندگی خاص خود تجربه‌های ویژه خویش دارد، طبعاً صور خیال او نیز دارای مشخصاتی است و شیوه خاصی دارد که ویژه خود اوست» (همان، ۱۳۸۳: ۲۱). در حس آمیزی‌های به کاررفته در غزلیات حافظ، فقط به ترکیب دو حس بسنده نشده، بلکه او معانی واژه‌هایی را که دلالت بر حواس پنج‌گانه دارند، به حوزه واژگانی که دال بر مفاهیم انتزاعی دارند، منتقل می‌کند و به کمک تصویری که این ترکیب در ذهن خلق کرده، بین امور محسوس و عینی و مفاهیم معقول و انتزاعی پیوند می‌زند و به‌طور کلی حس آمیزی را خلق می‌کند که عمودی ارتباطی بین عالم مادی و عالم روحی است.

«آنچه حس آمیزی خوانده می‌شود، با اینکه امری است طبیعی و غریزه و تخیل انسان خود به خود وارد آن عرصه می‌شود، اما بالا رفتن بسامد آن در شعر عرفانی فارسی و به‌ویژه در سبکه هندی ... ریشه در آرای اشاعره دارد» (همان، ۱۳۹۱ الف: ۳۱). از آنجاکه حافظ در بسیاری از غزلیات خود به والاترین مبانی عرفان اسلامی اشاره دارد و شعر او خالی از مضامین بلند عارفانه نیست؛ بنابراین در شعر خود از حس آمیزی به شکل چشمگیری بهره برده‌است. به عبارت دیگر «حس آمیزی یکی از طبیعی‌ترین وجوه جهان‌بینی عرفانی است. هر عارفی از رؤیت سوررئالیستی خویش، پاره‌ای از جهان ماده یا عالم معنی را به قلمرو طبیعی آن حس می‌کشاند و شاید یکی از روش‌های علمی سبک‌شناسی عرفان همین باشد که ببینیم در هنگام حس آمیزی، هر عارفی کدام حس را مرکز احساس خویش قرار می‌دهد» (فاضلی، ۱۳۹۷:

۵۹). حافظ شاعری است که هم به تصویر و هم به موسیقی کلام توجه دارد. تازه‌ترین تصاویر با استفاده از خوش‌نوترین حروف و کلمات در شعر او پهلوی به پهلوی یکدیگر نشسته‌اند و حس‌آمیزی با قدرتی که در ترکیب معنا و مفهوم از رهگذر ترکیب دو یا چند حس به وجود می‌آورد، در این زمینه ابزاری سودمند به شمار می‌رود. حس‌آمیزی با ایجاد چندمعنایی در سطح واژه‌ها و جملات، معنا را عمیق‌تر و سطح تصویر را از حد معمول خود فراتر می‌برد و چنین برخوردی در شعر حافظ، سبب شکل گرفتن بسیاری از ساخت‌های تصویری بدیع شده‌است. حس‌آمیزی ابزاری قدرتمند برای بیان تجربه‌های عمیق شاعرانه حافظ است و نازک‌خیالی‌ها و تجربیات نامحسوس روحانی و کشف و شهود عارفانه‌اش که فراتر از هنجار زبان است، بدین وسیله امکان بروز می‌یابد. البته ناگفته نماند «درک شعری - به خصوص شعر خوب - هیچ‌گاه یک درک همه‌جانبه و کاملاً قابل توضیح و تفسیر نیست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۸: ۲۵).

### گونه‌های حس‌آمیزی و حوزه‌های مفهومی آن

با توجه به دیدگاه زبان‌شناسی شناختی لیکاف و جانسون در ارتباط با صور کلام و حوزه‌های مبدأ و مقصد در مفاهیم ساختاری استعاره «در حس‌آمیزی تنها به ترکیب دو حس بسنده نشده، گاهی دیده می‌شود که شاعر معانی واژگانی که دال بر حواس پنج‌گانه دارند به حوزه‌واژگانی که دال بر مفاهیم انتزاعی است منتقل می‌کند و به کمک تصویری که این ترکیب در ذهن خلق نموده، بین امور حسی و مفاهیم عینی و انتزاعی پیوند می‌زند و به‌طور کلی حس‌آمیزی عمودی، ارتباط بین عالم مادی و روحی است» (نجفی ایوکی و منصوریان، ۱۳۹۸: ۸۸).

در ساده‌ترین تقسیم‌بندی، حس‌آمیزی را می‌توان بر دو گونه تقسیم کرد: گونه‌اول هماهنگی افقی<sup>۱</sup> است که از آمیختگی دو حس مختلف با هم مانند شنوایی و بویایی یا حس بینایی و چشایی به دست می‌آید و گونه‌دوم حس‌آمیزی در سروده‌ها، هماهنگی عمودی<sup>۲</sup> خوانده می‌شود و به‌عنوان یک ابزار هنری در آثار ادبی از «سه جهت حائز اهمیت است: ۱) از نظر زبانی باعث خلق ترکیبات نو و تازه می‌شود و از این طریق منجر به توسع زبانی می‌گردد؛ ۲) از نظر معنایی، آمیختگی امور مربوط به حسی با حس دیگر، به‌ویژه با حس بینایی، باعث عینی شدن و در نهایت فهم بهتر و راحت‌تر معنا می‌شود؛ ۳) از نظر زیبایی‌شناسی نیز تصاویر زیبا و بدیعی از رهگذر آمیختگی حواس فراهم می‌آید» (بهمنی مطلق، ۱۳۹۶: ۷۱).

از نظر تقسیم‌بندی براساس ترکیب حواس می‌توان حس‌آمیزی‌های زیر را شاهد بود: ترکیب حس بینایی - شنوایی و برعکس / ترکیب حس بینایی - بویایی و برعکس / ترکیب حس بینایی - چشایی و برعکس / ترکیب حس بینایی - بساواایی و برعکس / ترکیب حس شنوایی - چشایی و برعکس / ترکیب

1. correspondance norizontale

2. correspondance vertical

حس شنوایی - بویایی و برعکس / ترکیب حس شنوایی - بساوایی و برعکس / ترکیب حس بویایی - بساوایی و برعکس / ترکیب حس بویایی - چشایی و برعکس.

### حس آمیزی بر اساس ساختار دستوری در شعر حافظ

در نمونه‌های ترکیبی تصاویر در غزلیات حافظ، تصاویر «انتزاعی - حسی» مفاهیم انتزاعی یا عقلی به یک ویژگی حسی از حواس ظاهری اضافه می‌شوند که این ترکیب‌ها گاه به صورت وصفی است (یعنی برقراری رابطه میان موصوف و صفت بین مفهوم عقلی و ویژگی حسی) یا با ترکیب وصفی، مفهوم دیگری را اراده می‌کند. «حوزه‌ای که در زمینه شعر حافظ مجال بسیاری برای تحقیق و پژوهش دارد... حوزه زبان و ساختار و فرم شعر اوست و آنچه بدان مربوط است از بررسی معانی و بیانی و بدیعی» (مرتضایی، ۱۳۸۲: ۱۲۳). از نظر دستوری، حس آمیزی می‌تواند به شکل «ترکیب وصفی، اضافی یا غیر ترکیبی» باشد و حس آمیزی‌های ترکیبی در شعر حافظ نمونه‌های بسیاری دارد که اغلب ترکیب‌ها نیز ترکیب وصفی هستند. ترکیبات وصفی نسبت به حس آمیزی‌های غیر ترکیبی ساده‌تر و زود یاب‌ترند. «تشبیه معقول، تصویری است که یک سوی آن را امری ذهنی و تجریدی شکل می‌دهد. بدین گونه گریز از عینیت در عرصه فرهنگ، گسترش می‌یابد و اندک اندک استعاره جای تشبیه را می‌گیرد و در قلمرو استعاره، استعاره‌های تجریدی و بیان‌های پارادوکسی و حس آمیزی، میدان هنر سازه‌ها را پر می‌کند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۱۷۱).

در نمونه‌های حس آمیزی در شعر حافظ، ترکیب امر انتزاعی (به‌عنوان صفت یا موصوف) با یک ویژگی حسی از حواس پنج‌گانه به‌عنوان صفت به صورت وصفی به کار برده شده‌است؛ مانند «زهد خشک» یا «جواب تلخ». در واقع «استعاره‌های مفهومی و ترکیب وصفی، دو امکان اصلی برای بیان حس آمیزی‌اند. اگرچه حس آمیزی تجربه ادراکی خاصی است که برای برخی افراد روی می‌دهد، ولی ردی از آن در همه زبان‌ها ... وجود دارد. حتی می‌توان از باز نمودهای حس آمیزی در زبان به مثابه ملاکی برای رده‌شناسی زبان‌ها استفاده کرد» (افراشی، ۱۳۹۷: ۳۱۸). مفهوم انتزاعی در ترکیب‌های وصفی، نقش موصوف و در ترکیب‌های غیروصفی در نقش مضاف‌الیه نمود می‌یابد. تصاویر انتزاعی - حسی در شعر حافظ به صورت وصفی به کار برده شده‌است:

حافظ شاعری بسیار بخرد و داناست؛ آنجا که بار موسیقایی و معنایی بیت‌های خود را با آرایه‌های ادبی زینت می‌بخشد، علاوه بر استخدام یک آرایه برجسته در شعر به موازات آن، آرایه‌های نزدیک و دور از هم را نیز به کار می‌گیرد و به این ترتیب، کلام هنری خود را در اوج نگاه می‌دارد.

اگر دشنام فرمایی و گر نفرین دعاگویم

جواب تلخ می‌زیبد لب لعل شکرخا را

(حافظ، ۱۳۸۱: ۴)



ز زهد خشک ملولم کجاست باده ناب  
که بوی باده مدامم دماغ تر دارد  
(همان: ۷۹)

در بیت‌های یادشده، حافظ در عین حفظ ارزش حس آمیزی، ضمن اضافه کردن و آمیختن چند آرایه ادبی با هم، بار معنایی کلام خویش را دوچندان ساخته و از نظر صورت و معنا، بهره‌برداری‌های عمیقی را در گفته‌های خود ایجاد کرده‌است. حافظ علاوه بر حس آمیزی بین خشک و تر، ایهام تضاد ساخته و بین «زهد خشک» و «دماغ تر» و نیز «جواب تلخ» و «لب یا مجازاً سخن شیرین» تضاد اندیشگی بین دو نظام عابدانه و عاشقانه ایجاد کرده و با بهره‌گیری از حس آمیزی و تضاد و ایهام تضاد و...، ابزاری برای بیان هنری معانی بلند خود به وجود آورده‌است. همچنین می‌گوید:

زندهار از آن عبارت شیرین دل فریب  
گوی که پسته تو سخن در شکر گرفت  
(همان: ۵۹)

برو معالجه خود کن ای نصیحت‌گو  
شراب و شاهد شیرین کرا زبانی داد  
(همان: ۷۷)

در شعر حافظ، بیشترین ترکیبات وصفی از نوع «ترکیب وصفی مقلوب» است.

### حس آمیزی بر اساس حوزه مبدأ و مقصد در شعر حافظ

از موارد دیگر حس آمیزی می‌توان به آن دسته از مفاهیم اشاره کرد که «رابطه نظام‌مندی را که بین مفاهیم دو حوزه روی می‌دهد، به تصویر می‌کشد. یکی از این دو حوزه، حوزه مبدأ و حوزه دیگر، مقصد است» (افراشی، ۱۳۹۵: ۴۲). علاوه بر آن، معمولاً حوزه مبدأ عاطفی و حوزه مقصد عینی است؛ اگرچه «پژوهشگران دیگر از ترکیب امور و احساسات در شعر سبک هندی نشان داده‌اند و آن ترکیب امر انتزاعی - حسی است که یک مفهوم عقلی و انتزاعی با یک ویژگی حسی ترکیب شده و تصویری زیبا و بدیع به وجود می‌آورد» (فاضلی، ۱۳۹۷: ۷۰). علاوه بر این «حس آمیزی به لحاظ ماهیت، نوعی استعاره است که در آن انتقال معنی از یک مقوله حسی و ادراکی به مقوله دیگر براساس تشابه و تداخل حواس صورت می‌گیرد. در زبان ادبی، به‌ویژه هنگامی که به عرصه شعر وارد می‌شویم، امکان تغییر معنای قاموسی کلمات و تأویل‌پذیری بیشتر برای خواننده فراهم می‌شود. در این حال انتخاب و ترکیب واژگان یا چگونگی کاربرد استعاره و مجاز در محور جانشینی، تا حد بسیار زیادی به قوه تخیل شاعر مربوط می‌شود. در حس آمیزی به جهت تأثیر قوه خیال، حواس انسان با هم می‌آمیزد با اینکه یک حس جایگزین حس دیگری می‌شود. بدین شکل که ویژگی‌ها و کارکردهای یک حس به حس دیگر اسناد داده می‌شود؛ البته این تصور منحصر به محدوده حواس ظاهری انسان نیست و اسناد متعلقات حواس ظاهر به امور انتزاعی و معقول نیز شامل می‌گردد» (محمودی و راشکی، ۱۳۹۵: ۱۸۶).

نکته مهم‌تر آنکه «هر شاعر و هر عارفی، در شکل بخشیدن به منظومه ذهنی و نگاه هنری خویش، نیازمند بهره‌گیری از چند استعاره مرکزی خواهد بود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۵۵۵) که از شگردهای هنری حافظ هم بوده‌است و «در عبارتهای حس‌آمیخته، یکی از حواس در جایگاه حس مبدأ، برای توصیف حسی دیگر، در جایگاه حس مقصد به کار می‌رود و از نگاه حاصل از حس مبدأ بر روی حس مقصد، استعاره‌های حس‌آمیخته شکل می‌گیرند» (جولایی، ۱۴۰۰: ۲۲)؛ ناگفته نماند یکی از آرایه‌هایی که در بحث حس‌آمیزی بسیار حائز اهمیت است، استعاره است.

«شاید بتوان گفت استعاره بیش از سایر آرایه‌های بلاغی به شاعر در خلق تصاویر حس‌آمیخته کمک می‌کند. تصاویری از این آرایه به علت فاصله‌گیری دست با استفاده از استعاره مکینیه و تشخیص ساخته می‌شود؛ از حقیقت و واقع، وارد حوزه مجاز می‌شود و به استعاره نزدیک می‌گردد. نزدیکی حس‌آمیزی به استعاره از این جهت است که اساس و بن‌مایه هر دو مجاز است و بدین دلیل با آن متفاوت است که استعاره بر پایه‌ی علاقه‌مشابهت میان مشبه و مشبه‌به باعث می‌شود، اما در حس‌آمیزی علاقه‌یکپارچگی اثر معنوی دخالت دارد، یعنی هر دو حس القاگر یک حس هستند نه اینکه حسی به حس دیگر شبیه باشد» (مدیرزاده طهرانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۸۶). در اشعار حافظ با توجه به دیدگاه زبان‌شناختی، حوزه‌های مبدأ و مقصد مربوط به تصاویر حس‌آمیزی، به چهار حوزه کلی تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: عینی - عینی، عینی - انتزاعی، انتزاعی - عینی، انتزاعی - انتزاعی.

### ۱. حوزه مبدأ انتزاعی - حوزه مقصد عینی

تصاویر انتزاعی - عینی، علاوه بر ترکیب‌های وصفی، به صورت اضافی نیز در شعر حافظ به کار برده شده و علاوه بر این به صورت دو حوزه عقلی و حسی نیز به کار رفته‌است. در ترکیب‌های اضافی انتزاعی - عینی، یک امر انتزاعی به‌مثابه مضاف به یک ویژگی عینی از دنیای پیرامون و طبیعت بیرون به‌مثابه مضاف‌الیه اضافه می‌شود. ای معبر مژده‌ای فرما که دوشم آفتاب / در شکرخواب صبحی هم‌وثاق افتاده بود (حافظ، ۱۳۸۱: ۱۴۴)

حوزه مبدأ (انتزاعی): خواب و رؤیا / حوزه مقصد (عینی): شکرخواب

ز زهد خشک ملولم کجاست باده ناب / که بوی باده مدامم دماغ تر دارد (همان: ۷۹)

حوزه مبدأ (انتزاعی): زهد / حوزه مقصد (عینی): خشک

خون خور و خامش نشین که آن دل نازک / طلاق فریاد دادخواه ندارد (همان: ۸۷)

حوزه مبدأ (انتزاعی): دل / حوزه مقصد (عینی): نازک

## ۲. حوزه مبدأ عینی – حوزه مقصد انتزاعی

در این نوع از تصاویر، حرکت از یک مبدأ عینی یا حسی به حوزه‌ای انتزاعی یا عقلی است:  
 اگر این شراب خام است اگر آن حریف پخته  
 به هزار بار بهتر ز هزار پخته خامی  
 (همان: ۳۳۹)

حوزه مبدأ (عینی): حریف و همدم / حوزه مقصد (انتزاعی): پخته  
 شیوه و ناز تو شیرین، خط و خال تو ملیح  
 چشم و ابروی تو زیبا، قد و بالای تو خوش  
 (همان: ۱۹۴)

حوزه مبدأ (عینی): خال / حوزه مقصد (انتزاعی): ملیح  
 فغان کاین لولیان شوخ شیرین کار شهر آشوب  
 چنان بردند صبر از دل که ترکان خوان یغما را  
 (همان: ۳)

حوزه مبدأ (عینی): لولی / حوزه مقصد (انتزاعی): شیرین کاری

## ۳. حوزه مبدأ انتزاعی – حوزه مقصد انتزاعی

در این نوع از ترکیب، حرکت تصاویر حسی از مبدائی انتزاعی به مقصدی انتزاعی است. این نوع از تصاویر با توجه به اینکه شاعری چون حافظ، برای ملموس کردن فضای ذهنی خود در ذهن مخاطب، سعی در عینی کردن آن دارد، نسبت به سایر موارد کمتر و ضعیف‌تر دیده شد.  
 گداخت جان که شود کار دل تمام و نشد  
 بسوختیم درین آرزوی خام و نشد  
 (همان: ۱۱۴)

حوزه مبدأ (انتزاعی): آرزو / حوزه مقصد (انتزاعی): خامی

در این نوع از حوزه‌های حس‌آمیزی، بیشترین توجه حافظ به حوزه انتزاعی – عینی و عینی – انتزاعی است و کمترین آن مربوط به حوزه انتزاعی – انتزاعی است.

## تقسیم‌بندی حس‌آمیزی در غزلیات حافظ براساس ترکیب حواس

«از لحاظ جدول امکانات زبانی، به تناسب پنج حس ظاهری، می‌توان بیست‌وپنج نوع حس‌آمیزی تصور کرد که ممکن است بسیاری از انواع آن هیچ‌گاه در زبان قابل تصور نباشد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۱۵-۱۶).

**الف) حس چشایی - شنوایی و شنوایی - چشایی**

حافظ معشوق خود را اغلب «شیرین‌سخن» به تصویر می‌کشد. حرکات و سکانات غیرکلامی معشوق شعر حافظ، همیشه شیرین بوده‌است و این می‌تواند علاقه وافر حافظ را به مزه «شیرینی» نشان دهد. در این نوع حس‌آمیزی، گفت‌وگوی شاعر با معشوق با حس چشایی ترکیب می‌شود، یعنی شاعر به‌جای شنیدن می‌چشد و برعکس. حافظ ارتباط میان خود و طبیعت را از دریچه حواس پنج‌گانه تقویت می‌کند و برای همین است که معمولاً شعر او آکنده از تصاویری است که حاصل تجربه یکی از حواس است؛ که از این میانه بیشترین سهم از آن حس چشایی و شنوایی است.

سرود مجلس است اکنون فلک به رقص آرد  
که شعر حافظ شیرین سخن ترانه توست  
(حافظ، ۱۳۸۱: ۲۵)

شکرفروش که عمرش دراز باد چرا  
تفقدی نکند طوطی شکرخا را  
(همان: ۴)

به همین ترتیب وقتی که شنیدنی‌ها به شعر حافظ راه می‌یابند، باز برای او شیرین‌اند. ترانه‌های شنیدنی یار همچون گفتار عادی او شیرین‌اند. سرودها و نواهای موسیقی برای گوش حافظ، از الحان باستانی گرفته تا گوشه‌ها و مقام‌های موسیقی سنتی، از حجاز و عراق گرفته تا عشاق، همچنین ساز و نوای طوطیان و بلبلان شعر او، همه و همه شیرین چشیده می‌شوند.

حافظ در جای‌جای غزلیاتش علاوه بر شیرین شنیدن کلام معشوق، کلام خود را نیز شیرین به گوش دیگران می‌رساند و خود را طوطی شیرین‌سخن می‌داند:

بدین شعر تر شیرین ز شاهنشاه عجب دارم  
که سر تا پای حافظ را چرا در زر نمی‌گیرد  
(همان: ۱۰۲)

آب حیوانش ز منقار بلاغت می‌چکد  
طوطی خوش‌لهجه یعنی کلک شکرخای تو  
(همان: ۲۸۳)

**ب) حس چشایی - بینایی و بینایی - چشایی**

حافظ، لذت حرکات معشوق خود را (کار او را) پیش از این چشیده‌است و ترکیب این حس را از منظر دیدن به چشیدن می‌کشد و مخاطب را در لذت تجربی خود و همذات‌پنداری با خویش شریک می‌کند. حرکات و سکانات معشوق خود را شیرین می‌بیند و حس چشیدن و دیدن را در هم می‌آمیزد. همچنین در نمونه‌های دیگر، این «کار» یار را به شیرینی تکرار می‌کند و دوباره این حرکات شیرین را در ابیات دیگر این‌گونه بیان می‌کند:

- تو خود چه لعبتی ای شهسوار شیرین کار  
 که توسنی چو فلک رام تازیانه‌ توست  
 (همان: ۲۵)
- برو معالجه‌ خود کن ای نصیحت‌گو  
 شراب و شاهد شیرین که را زبانی داد؟  
 (همان: ۷۷)
- ز شور و عریده‌ شاهدان شیرین کار  
 شکر شکسته، سمن ریخته، رباب زده  
 (همان: ۲۹۲)
- گاهی نیز او را «نمکین» تصویر می‌کند:  
 بر سینه‌ ریش دردمندان  
 لعلت نمکی تمام دارد  
 (همان: ۸۰)
- در ترکیبات حافظ، حس‌آمیزی از نوع امور چشایی است و بسامد این نوع حس - آن‌هم از نوع «شیرینی» - بسیار زیاد است. به علت فراوانی بسیار این گونه از ترکیب، خاصه نوع حواس چشایی - شنوایی و چشایی - بینایی، از ذکر سایر نمونه‌ها بسنده کردیم.

### ج) حس‌شنوایی - بویایی و بوایی - شنوایی

- سخن گفتن از بوها در شعر حافظ در ترکیب با حس شنیدن است و بوهای خوش و دل‌انگیز یار و زلف یار در اشعار او چشمگیر است و می‌توان گفت شنیدن فعلی است که حافظ به صورت مجاز درباره‌ بوها و به معنی بوییدن به کار برده‌است:
- با صبا همراه بفرست از رخت گلدسته‌ای  
 بو که بویی بشنویم از خاک بستان شما  
 (همان: ۱۰)
- عمریست تا ز زلف تو بویی شنیده‌ام  
 زان بوی در مشام دل من هنوز بوست  
 (همان: ۴۲)
- با تأمل در بیت‌های زیر می‌بینیم «در مصراع دوم، چیزی که معادل بوی قرار گرفته، سخن است؛ یعنی بوییدن نسیم و یافتن بوی یار با شنیدن سخن او یکی شده‌است» (کریمی، ۱۳۸۷: ۱۴۳).
- لاله بوی می‌نوشین بشنید از دم صبح  
 داغ‌دل بود به امید دوا بازآمد  
 (حافظ، ۱۳۸۱: ۱۱۸)
- بوی خوش تو هر که ز باد صبا شنید  
 از یار آشنا سخن آشنا شنید  
 (همان: ۱۶۴)

### نمونه‌های ترکیب حس آمیزی بر اساس مفاهیم در شعر حافظ

با توجه به مفاهیم شعر حافظ، حس آمیزی‌های به کاررفته در شعر او را به چهار دسته عاشقانه، عارفانه، سیاسی، اجتماعی تقسیم کردیم که بسامد مفاهیم عاشقانه و عارفانه در غزلیات او، بیشترین و مفاهیم سیاسی و اجتماعی، کمترین کاربرد را داشته‌اند. شعر حافظ با توجه به رویکرد چندوجهی آن به شکل خودآگاه یا ناخودآگاه بستر برداشت مفاهیم مختلف را برای مخاطب خود فراهم می‌سازد. یکی از این مفاهیم «عشق» است که می‌شود گفت سرتاسر غزلیات حافظ را فراگرفته‌است.

#### ۱. مفاهیم عاشقانه در حس آمیزی‌های شعر حافظ

پیام اصلی دیوان حافظ، همواره عشق بوده‌است. در اندیشه او مهم‌ترین و شریف‌ترین پدیده‌های عالم، عشقی است که خداوند در قلب انسان به ودیعه نهاده‌است. او همه جهان هستی و خلقت را از ازل تا ابد در عشق خلاصه می‌بیند. جمال انسانی در شعر او جلوه‌ای بدیع دارد و بازتابی است از تجلی پروردگار و غیر از انسان عاشق، هیچ کس قادر به تصور کردن آن نیست. در اغلب حس آمیزی‌های به کاررفته در دیوان حافظ، کفه ترازو به سمت مفاهیم عاشقانه (مجازی، حقیقی) سنگین‌تر است و او تلاش دارد تا مخاطبان خود را قانع کند که عشق انسانی نیز مانند عشق الهی است؛ بنابراین این تفکر نیز در صنایع لفظی و معنوی شعر او نفوذ می‌کند و تاروپود تصاویر ناب حسی او را در بر گرفته‌است. نمونه‌های زیر، در واقع مشتق است از خروار مفاهیم عاشقانه در ترکیب‌های حس آمیزی در غزلیات حافظ. به منظور پرهیز از تکرار و تطویل کلام، از ذکر نمونه‌های دیگر آن خودداری کرده‌ایم.

جواب تلخ = مفهوم عاشقانه

اگر دشنام فرمایی و گر نفرین دعاگویم  
جواب تلخ می‌زیید لب لعل شکرخا را  
(همان: ۴)

شیرین کار = مفهوم عاشقانه

تو خود چه لعبتی ای شهسوار شیرین کار  
که توسنی چو فلک رام تازیانه توست  
(همان: ۲۵)

خنده شکرین = مفهوم عاشقانه

ای پسته تو خنده زده بر حدیث قند  
مشتاقم از برای خدا یک شکر بخند  
(همان: ۱۲۲)

ناز شیرین = مفهوم عاشقانه

شیوه و ناز تو شیرین، خط و خال تو ملیح  
چشم و ابروی تو زیبا، قد و بالای تو خوش  
(همان: ۱۹۴)

## ۲. مفاهیم عارفانه در حس‌آمیزی‌های شعر حافظ

برخی از مفاهیم عرفانی را حافظ در قالب واژگان و تصاویر به مخاطب خود انتقال می‌دهد. او برای بیان این تجربیات و اشارهٔ زیباتر به آن‌ها، از حس‌آمیزی کمک گرفته‌است تا تأثیر سخن خود را بیش از پیش به مخاطب شعر انتقال دهد. او رفتارهای خشک مذهبی و تصویر نامتعارف یک قلندر را به «شیرینی» هرچه تمام‌تر به جلوه می‌کشد.

قلندر شیرین = مفهوم عارفانه

وقت آن شیرین‌قلندر خوش که در اطوار سیر  
ذکر تسبیح ملک در حلقهٔ زنار داشت  
(همان: ۵۴)

طمع خام = مفهوم عارفانه

عکس روی تو چو در آینهٔ جام افتاد  
عارف از خندهٔ می در طمع خام افتاد  
(همان: ۷۵)

اگرچه حافظ از اندیشه‌های عرفانی متأثر است، اعتراض به وضع موجود زاهدان و عارف‌نمایان جامعهٔ خویش را فراموش نمی‌کند و این مفاهیم گاه جنبهٔ زهدستیزانه به خود می‌گیرد؛ زیرا او به شدت از زهد ربایی و تزویر و دورویی بیزار است. این نفرت که برخاسته از روح آزاده و جان بیقرار اوست، در رندی‌اش نمود یافته و این رندی در سرتاسر دیوان او جلوه‌گر شده‌است.

زهد خشک = مفهوم عارفانه

ز زهد خشک ملولم کجاست بادهٔ ناب  
که بوی باده مدامم دماغ تر دارد  
(همان: ۷۹)

آرزوی خام = مفهوم عارفانه

گداخت جان که شود کار دل تمام و نشد  
بسوختم در این آرزوی خام و نشد  
(همان: ۱۱۴)

## ۳. مفاهیم سیاسی در حس‌آمیزی‌های شعر حافظ

حافظ شاعری است که شرایط سیاسی زمانهٔ خود را درک کرده و به خوبی اوضاع نابسامان جامعه را در شعرش نمایان ساخته‌است. دیوان شعر او نسبت به سایر شاعران ادبیات سنتی ایران، فریاد آزادگی را در

گوش زمان و مکان جامعه ایرانی سر داده‌است. اگرچه در زمانه حافظ خبری از احزاب سیاسی و فعالیت‌های مدنی نبوده، شعر او، هیچ‌گاه بی تفاوت به اوضاع سیاسی زمان خود نبوده‌است.

خسرو شیرین = مفهوم سیاسی

گفت برخیز که آن خسرو شیرین آمد

سحرم دولت بیدار به بالین آمد

(همان: ۱۱۹)

بوی بهبود شنیدن از اوضاع = مفهوم سیاسی

شادی آورد گل و باد صبا شاد آمد

بوی بهبود ز اوضاع جهان می‌شنوم

(همان: ۱۱۷)

نشیندن بوی حق = مفهوم سیاسی

در حضورش نیز می‌گویم نه غیبت می‌کنم

واعظ ما بوی حق نشنید بشنو کاین سخن

(همان: ۲۴۲)

#### ۴. مفاهیم اجتماعی در حس آمیزی‌های شعر حافظ

حافظ گزارشگر اوضاع اجتماعی قرن هشتم است. او سعی می‌کند دیده‌ها را به حوزه تصویر بکشد و امانتدار فرهنگی - اجتماعی خوبی برای آیندگان سرزمینش باشد. او به نوعی چون ابوالفضل بیهقی است که ماهیت تاریخ ناگوار انسان روزگار خود را به شعر می‌کشاند (صفا، ۲۵۳۶: ۸۹۱/۲). آنچه از بررسی اشعار حافظ درمی‌یابیم، تعهد او در زمینه مسئولیت اجتماعی در قبال دیگران است که در لباس آرایه‌های ادبی جلوه می‌کند و از استعارات و کنایات گرفته تا مجاز و حس‌آمیزی، با زبان خود بیان می‌کند.

زاهد خام = مفهوم اجتماعی

پخته گردد چو نظر بر می‌خام اندازد

زاهد خام که انکار می‌و جام کند

(حافظ، ۱۳۸۱: ۱۰۲)

طمع خام = مفهوم اجتماعی

از رقیبان نهفتنم هوس است

طمع خام بین که قصه فاش

(همان: ۳۰)

چنانچه در برابر زاهدان ریایی، بازگوکننده «طمع خام» و «زاهد خام» است، در برابر ممدوح خود از تعبیری چون «کلک شیرین» و «کلک شکرخای» سخن می‌راند؛ گویی می‌خواهد قدرت قلم خود را به رخ شاهان زمانه بکشد و به آنان بگوید که «دولت مستعجلی» بیش نیستید.



کلک شکرین شاعر و اثر آن = مفهوم اجتماعی

که درین باغ نبینی ثمری بهتر ازین  
(همان: ۲۷۹)

کلک حافظ شکرین میوه نباتی‌ست بچین

کلک شکرخا و اثر آن = مفهوم اجتماعی

طوطی خوش‌لهجه یعنی کلک شکرخای تو  
(همان: ۲۸۳)

آب حیوانش ز منقار بلاغت می‌چکد

### نتیجه

در عین اینکه آرایه حس‌آمیزی در بین شاعران سبک عراقی، آرایه مورد توجهی نیست، در شعر حافظ نه به اندازه یک شاخصه سبکی، اما به اندازه‌ای که بتوان آن را جزو آرایه‌های پرکاربرد غزلیات او دانست، مورد توجه است. کاربرد هنری و خلاقانه حس‌آمیزی در شعر حافظ - چون دیگر نمونه‌های خلاقیت او - با توجه به دقت بودن حافظ در صنایع لفظی و معنوی، نشان می‌دهد که این آرایه اهمیت خود را در نگاه او حفظ کرده‌است. در شعر حافظ، حس‌چشایی بیش از سایر حواس به کار گرفته شده که این علاوه بر ایجاد حس تجربه قبلی در مخاطب، به کمک بازی‌های زبانی حافظ هم آمده‌است. حافظ از آنجا که از صنایع لفظی و معنوی به کمال در شعر خود بهره برده‌است، از لفظ «شیرین» علاوه بر ایجاد چشیدن و تحریک کردن بزاق دهان، به فکر ایجاد تناسب معنایی و ایهام در شعر خود است. او از لذت‌های چشایی به مزه شیرینی بیش از سایر مزه‌ها علاقه نشان می‌دهد و با توجه به نام «شیرین» و داستان عاشقانه او در ادبیات فارسی، از آن به سود آرایه ایهام و تناسب به وجود آمده بهره می‌برد. سخن از طعم و مزه در شعر حافظ بیشتر در شکل «لب شیرین» یا «لب نمکین» یار مطرح می‌شود و غالباً گفتار معشوق را این‌گونه برای مخاطب خود ترسیم می‌کند. همچنین از نظر مفاهیم مکتوم در حس‌آمیزی‌های به‌کاررفته در غزلیات حافظ، چهار مفهوم عاشقانه، عارفانه، سیاسی، اجتماعی استخراج و مشخص شد که حافظ، به مفاهیم عاشقانه دل‌بستگی بیشتری نسبت به سایر مفاهیم دارد. علاوه بر این، ساختار ترکیب‌های حس‌آمیزی با توجه به دیدگاه لیکاف و جانسون و هم‌سرشتی استعاره و حس‌آمیزی در زبان‌شناسی شناختی، چهار حوزه عینی - عینی، انتزاعی - عینی، عینی - انتزاعی، انتزاعی - انتزاعی در اشعار حافظ مشهود بود و حوزه‌های عینی - عینی و انتزاعی - عینی، بیشترین حوزه‌های حس‌آمیزی‌های ساختاری را در شعر حافظ شامل شده‌است.

## منابع

- افراشی، آرزیتا (۱۳۹۷)، *استعاره و شناخت*، چاپ ۱، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بهمنی مطلق، حجت‌الله (۱۳۹۶)، جایگاه و نقش حس‌آمیزی در شعر شفیعی کدکنی، *دوفصلنامه علوم ادبی*، دوره ۷، شماره ۱۲، صفحات ۶۷-۹۱.
- جولایی، کامیار؛ افراشی، آرزیتا (۱۴۰۰)، *حس‌آمیزی در زبان فارسی*، چاپ ۱، تهران، نویسه پارسی.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۱)، *دیوان*، به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی، چاپ ۸، تهران، زوار.
- زارع، مهدی (۱۳۹۸)، حس‌آمیزی در شعر عبدالوهاب البیاتی، *زبان و ادبیات عربی*، سال ۱۱، شماره ۱ (پیاپی ۱۷۷/۱۲۰)، صفحات ۱۲۱-۱۴۵.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۶)، *موسیقی شعر*، چاپ ۵، ویرایش ۳، تهران، آگه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳)، *صور خیال در شعر فارسی؛ تحقیق انتقادی در تطور ابماژهای شعر پارسی و سیر نظریه بلاغت در اسلام و ایران*، چاپ ۹، تهران، آگه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، *این کیمیای هستی؛ مجموعه مقاله‌ها و یادداشت‌های استاد دکتر شفیعی کدکنی درباره حافظ*، به کوشش ولی‌الله درودیان، چاپ ۳، تبریز، آیدین.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱)، *رستاخیز کلمات؛ درس‌گفتارهایی درباره نظریه ادبی صورت‌نگاریان روس*، چاپ ۲، تهران، سخن.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، *زبان شعر در نثر صوفیه*، چاپ ۵، تهران، سخن.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶)، *نگاهی تازه به بدیع*، ویرایش ۳، تهران، میترا.
- صفا، ذبیح‌الله (۲۵۳۶)، *تاریخ ادبیات در ایران*، جلد ۲، چاپ ۵، تهران، امیرکبیر.
- فاضلی، شیمیا (۱۳۹۷)، ساختار و ارزش‌های هنری حس‌آمیزی در قصاید خاقانی شروانی، *زیبایی‌شناسی ادبی*، دوره ۹، شماره ۳۷، صفحات ۵۳-۷۶.
- کریمی، پرستو (۱۳۸۷)، *حواس پنج‌گانه و حس‌آمیزی در شعر، گوهر گویا*، دوره ۲، شماره ۴ (پیاپی ۴)، صفحات ۱۱۷-۱۳۴.
- محمودی، علیرضا؛ راشکی، فاطمه (۱۳۹۵)، بررسی حس‌آمیزی در اشعار نصرالله مردانی، *زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز)*، سال ۶۹، شماره ۲۳۳، صفحات ۱۸۱-۱۹۹.
- مرتضایی، سید جواد (۱۳۸۲)، ظرافت‌های بدیعی در شعر حافظ، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*، دوره جدید، شماره ۱۴ (پیاپی ۱۱)، صفحات ۱۲۱-۱۵۰.
- مدیرزاده طهرانی، فاطمه اعظم‌السادات؛ اوجاق‌علی‌زاده، شهین؛ امامی، فاطمه (۱۳۹۹)، بررسی سبکی و تحلیلی آرایه «حس‌آمیزی» در شعر پروین اعتصامی، *ماهنامه تخصصی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، سال ۱۳، شماره ۱۰ (پیاپی ۵۶)، صفحات ۷۹-۱۰۱.
- نجفی ایوکی، علی؛ طالبیان، منصوره (۱۳۹۸)، گونه‌های حس‌آمیزی در سروده‌های سعید عقل و نیما یوشیج، *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)*، دوره ۹، شماره ۲ (پیاپی ۳۴)، صفحات ۹۹-۱۲۴.